

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی سیاست خارجی آلمان فدرال
در قبال جمهوری اسلامی ایران به بهانه انتشار گزارش
صادرات تسلیحاتی این کشور

◇ عنوان تحلیل هفته: بررسی سیاست خارجی آلمان فدرال در قبال جمهوری اسلامی ایران به بهانه انتشار گزارش صادرات تسلیحاتی این کشور
بررسی و نظارت: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر
تهران - معاونت پژوهشی
تالیف: بهزاد احمدی لفورکی
تاریخ انتشار: ۹۰/۱۱/۱۵
تلفن و دورنگار: ۷ - ۸۸۷۵۶۲۰۵
صندوق پستی: ۳۸۴۹ - ۱۵۸۷۵
نشانی اینترنت: www.tisri.org
کلیه حقوق مادی و معنوی این گزارش متعلق به مؤسسه تهران است. تکثیر، انتشار و یا
واگذاری آن به دیگران به هر صورت و بدون اجازه کتبی این مؤسسه مجاز نمی‌باشد.

مقدمه

۷ دسامبر ۲۰۱۱ دولت آلمان گزارش صادرات تسلیحات نظامی خود در سال ۲۰۱۰ را منتشر نمود. طبق این گزارش، شرکت‌های تسلیحاتی آلمانی توانسته‌اند تا در سال ۲۰۱۰، ۲/۱ میلیارد یورو (۲/۸ میلیارد دلار) به کشورهای مختلف دنیا صادرات داشته باشند و افزایشی چشمگیر در این زمینه نسبت به سال‌های قبل به خصوص سال ۲۰۰۹ (۱/۳۴ میلیارد یورو) از خود نشان دهند.^(۱) طبق این گزارش، آلمان (۱۱ درصد بازار) بعد از آمریکا (۳۰ درصد بازار) و روسیه (۲۳ درصد بازار) در جایگاه سوم به لحاظ صادرات تسلیحات قرار می‌گیرد.^(۲) بعد از آلمان، فرانسه با ۷ درصد و انگلستان با ۴ درصد در مکان‌های بعدی صادرات تسلیحات دنیا قرار دارند.^(۳)

بررسی کشورهای خریدار تسلیحات آلمانی نشان می‌دهد که کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و به خصوص عربستان سعودی و امارات متحده عربی از خریداران مهم تسلیحات و خدمات نظامی - پلیسی آلمان بوده‌اند. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا این اقدام آلمان تنها در چهارچوب مسائل اقتصادی و درآمدهای هنگفت بدست آمده از صدور تسلیحات قابل توجیه است یا نه، دولت آلمان در کنار دیگر متحدان خود در ناتو



نظیر آمریکا، فرانسه و انگلیس، درصدد تسلیح هرچه بیشتر کشورهای منطقه در برابر ایران و اجرا و پیشبرد سیاستی است که هدف نهایی آن مهار ایران می‌باشد. در مقاله پیش‌رو تلاش شده تا با بررسی اقدامات متعدد دولت آلمان در قبال ایران، به این پرسش پاسخ داده شود و سیاست کنونی این کشور در قبال ج. ا. ایران تبیین گردد.

حقوق بشر و ارزش‌ها فدای منافع اقتصادی و ژئوپلیتیک

در بحث گزارش سالانه صادرات تسلیحات نظامی آلمان توجه به چند نکته ضروری است. نخست اینکه، انتشار این گزارش، اصولاً مسئله‌ای مناقشه‌برانگیز در داخل آلمان است و دولت فدرال به دلیل واکنش افکار عمومی، سازمان‌های طرفدار حقوق بشر، احزاب مخالف، و فعالان جامعه مدنی و انتقادات آنها علاقه زیادی به انتشار این گزارش ندارد و گزارش‌های منتشر شده اغلب فاقد اطلاعات دقیق و جامع است و دولت تلاش می‌کند تا با روش‌های آماری تصویر مطلوب‌تری از صادرات تسلیحاتی خود ترسیم نماید.^(۴) در این ارتباط همواره بین گزارش دولت و گزارش نهادهای دیگر از جمله مؤسسه سوئدی سپیری^۱ که از منابع اطلاعاتی در زمینه کنترل تسلیحات است، به لحاظ آمار و ارقام تفاوت دیده می‌شود و گزارش دولت آلمان، اغلب میزان کمتری از صادرات تسلیحات را در مقایسه با گزارش‌های مراکز مذکور اعلام می‌نماید.^(۵) علاوه بر این، محصولاتی که دارای کاربرد دوگانه نظامی - غیرنظامی هستند در گزارش دولت آلمان قید نمی‌شوند که به‌عنوان مثال

1. SIPRI



ارزش صادراتی آنها در سال ۲۰۱۰ نزدیک به ۴/۸ میلیارد یورو بوده است.^(۶) دوم اینکه بررسی روند صادرات تسلیحات آلمانی در دهه اخیر، بیانگر افزایش چشمگیر و نیز تسهیل در صدور تسلیحات و کنترل کمتر در این زمینه است. در حالی که در اواخر دهه ۱۹۹۰ این میزان اغلب در حدود ۰/۷ میلیارد یورو بوده، در حال حاضر رقم صادرات تسلیحات به بیش از ۲/۱ میلیارد یورو رسیده است.^(۷) علاوه بر این، ارزش کلی صادرات تسلیحاتی که نیازمند مجوز دولت هستند^۱ نیز افزایش چشمگیر داشته است. در حالی که در اواخر دهه ۱۹۹۰ صدور مجوز صادرات تسلیحات سالانه ارزشی بین ۲ تا ۳ میلیارد یورو داشته، در سال ۲۰۱۰ این رقم به بیش از ۴/۷ میلیارد یورو رسیده است.^(۸) نکته سوم اینکه دولت آلمان مدعی است که بیش از نیمی از درآمد حاصله از صدور تسلیحات در سال ۲۰۱۰، به خاطر فروش سه رزمناو به اعضای ناتو بوده است و اصولاً مدعی است که بخش عمده درآمد مذکور ناشی از فروش محصولات نظامی به اعضای سازمان مذکور است.^(۹) طبق گزارش سال ۲۰۱۰، یونان، اسپانیا و پرتغال از خریداران عمده اروپایی آلمان بوده‌اند. یونان ۴۰۳ میلیون یورو برای خرید زیردریایی، پرتغال ۸۱۲ میلیون یورو برای خرید ۲ زیردریایی و قطعات یدکی رزمناو، و اسپانیا ۷۶ میلیون یورو برای خرید تسلیحات به شرکت‌های آلمانی پرداخت کرده است.^(۱۰) این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که دولت آلمان کشورهای مذکور را برای اجرای تدابیر اقتصادی

۱. که شامل تمام محصولات نظامی و نه فقط آنهایی که مشخصاً در فهرست تسلیحات جنگی درج شده‌اند، می‌گردد.



ریاضتی در بخش‌های رفاه عمومی و کاهش حقوق کارکنان دولت و حقوق و مزایای بازنشستگی تحت فشار قرار داده و دریافت کمک‌های اقتصادی را منوط به امضای قراردادهایی سفت و سخت در این زمینه نموده است. طبق گزارشات موجود، پرتغال، اسپانیا، ایتالیا و یونان عطف به قراردادهای قبلی، در سال جدید نیز به ترتیب ۸۱۱، ۸۴، ۱۸۴ و ۳۶ میلیون یورو از محصولات نظامی آلمان خرید خواهند کرد.^(۱۱)

جدا از تناقضی که در رفتار فوق از سوی آلمان دیده می‌شود، دلایل متعدد و محکمی وجود دارد که نشان می‌دهد این کشور به خاطر شرایط جدید داخلی، اروپایی و جهانی، بازار عمده فروش تسلیحات نظامی خود را نه در اروپا و بین اعضای ناتو بلکه در خاورمیانه، خلیج فارس، و در بین کشورهای در حال توسعه و کشورهایی چون هند، برزیل، روسیه و حتی به شکل غیرمستقیم چین جستجو کرده و می‌کند. از جمله دلایل اینکه از بعد داخلی آلمان به دنبال اجرای سیاست کوچک‌سازی ارتش و کاستن از شمار نیروی مسلح، با کاهش بودجه نظامی و میزان تقاضای داخلی روبروست. در سطح اروپا و ناتو نیز مشتریان اصلی تسلیحات آلمانی با بحران مالی و اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند و مجبور به کاهش هزینه‌های نظامی خود هستند. در نتیجه آلمان در راستای منافع اقتصادی خود راهی جز یافتن بازارهای جدید از جمله خاورمیانه نداشته و ندارد و این واقعیت کاملاً در تضاد با گفته‌های مقامات آلمانی است.

البته این کار برای دولت آلمان بی‌هزینه نیست اما مشاهده می‌شود که این کشور در راستای منافع اقتصادی و سیاسی حاضر به پرداخت هزینه‌ها از جمله تحمل انتقادات جدی از سوی جامعه مدنی و نهادهای حقوق بشری است. طبق قانون فدرال، دولت آلمان حق ندارد تا به کشورهایی که ناقض حقوق بشر یا درگیر در یک مناقشه مسلحانه هستند، صادرات تسلیحاتی داشته باشد^(۱۲) اما پیرو لابی سنگین شرکت‌های تسلیحاتی، دولت این کشور تسهیل بیشتری در صادرات تسلیحات به کشورهای در حال توسعه و شیخ‌نشین‌های پولدار خلیج فارس به عمل آورده است. در این راستا دیده می‌شود



علی‌رغم نقض فاحش حقوق بشر در عربستان و سرکوب اقلیت شیعه این کشور و حتی نقش پررنگ ریاض در سرکوب خشونت‌آمیز تظاهرکنندگان در بحرین، دولت آلمان موافقت کرده تا ریاض دریافت‌کننده بیش از ۲۰۰ تانک لئوپارد ۲A۷ باشد. در واقع ریاض با ۱۵۲/۲ میلیون یورو دهمین خریدار بزرگ تسلیحات و تجهیزات نظامی و امنیتی آلمان در سال ۲۰۱۰ است.^(۱۳) دیگر شیخ‌نشین‌های عرب خلیج فارس نظیر امارات با ۲۶۲/۵ میلیون یورو، بحرین با ۱۶/۵ میلیون یورو، قطر با ۴ میلیون یورو، کویت و عمان هر یک با ۲۰ میلیون یورو از دیگر خریداران مهم تسلیحات آلمانی هستند.^(۱۴) امارات که نقشی مهم در کنار عربستان در سرکوب تظاهرات مردم بحرین داشته است، علاوه بر اینکه پنجمین خریدار بزرگ تسلیحات و تجهیزات نظامی آلمانی است همکاری بسیار نزدیکی با برلین در حوزه آموزش نظامی و برگزاری مانورهای مشترک دارد.^(۱۵)

روابط نظامی با اسرائیل نقطه پنهان گزارش تسلیحاتی آلمان

اما آنچه در گزارش صادرات تسلیحات آلمان به آن پرداخته نشده، حجم دقیق صادرات تسلیحات و تجهیزات نظامی آلمان به رژیم اسرائیل است. آلمان و رژیم صهیونیستی سابقه‌ای طولانی در همکاری‌های نظامی و امنیتی دارند که ویژگی بارز آن پنهان‌کاری بسیار و مخفی نگهداشتن روابط از چشم افکار عمومی است.

از دید مقامات آلمانی روابط نزدیک امنیتی و نظامی با اسرائیل، بخش بنیادین روابط خاص با این رژیم است و این دیدگاه در تمام دولت‌های دست راستی و چپی آلمان رعایت شده و غالب بوده است. با این حال برای پرهیز از برانگیختن واکنش منفی افکار عمومی آلمان و جهان از کمک تسلیحاتی و امنیتی به رژیم که به نقض حقوق بشر و گسترش تسلیحات کشتار جمعی معروف است از یک سو و واکنش جهان عرب به چنین روابطی، تمام دولت‌ها در آلمان بسیار تلاش کرده‌اند تا ابعاد و گسترده چنین



روابطی همواره مخفی باقی بماند و جز در مواقع بروز رسوایی‌های سیاسی نظیر گزارش رسانه‌های آلمانی در سال ۱۹۶۴ درباره ارسال تسلیحات به اسرائیل، اطلاعات دیگری منتشر نشده است. با این حال شکی نیست که بعد از ایالات متحده آمریکا، آلمان از تأمین‌کنندگان اصلی نیازهای تسلیحاتی رژیم صهیونیستی است. در فاصله سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵، آمریکا ۸۳ درصد تأمین تسلیحات مورد نیاز رژیم اسرائیل را برعهده داشته و تخمین زده می‌شود که درصد باقیمانده توسط آلمان تأمین شده باشد.^(۱۶)

بر همین اساس بسیاری از کارشناسان بر این باورند که بدون کمک تسلیحاتی آلمان، پیروزی رژیم اسرائیل در جنگ‌های ۱۹۶۷، ۱۹۷۳ و ۱۹۸۲ ممکن نبود.^(۱۷) طبق برخی آمار موجود، بین سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ میلادی، آلمان ۵۷۷ میلیون دلار صادرات تسلیحاتی به رژیم صهیونیستی داشته است.^(۱۸) البته این آمار دربرگیرنده کمک‌های نظامی بلاعوض آلمان نمی‌شود. به‌عنوان مثال در جریان جنگ اول خلیج فارس (۱۹۹۰-۱۹۹۱) و حملات موشکی عراق به اسرائیل، آلمان بلافاصله کمک‌های مالی و تسلیحاتی فراوانی در اختیار این رژیم قرار داد. یا در اواخر دهه ۱۹۹۰ آلمان ۳ فروند زبردربایی کلاس دلفین به اسرائیل تحویل داد که گفته می‌شود ۵۰ درصد هزینه‌های آنها که به شکل اختصاصی برای نیروی دریایی اسرائیل طراحی شده بودند را تقبل نموده بود. در اوت ۲۰۰۶، دولت آلمان پذیرفت که یک‌سوم هزینه‌های مربوط به تحویل دو زبردربایی کلاس دلفین دیگر به اسرائیل تا سال ۲۰۱۰ را تقبل کند که رقم آن چیزی در حدود ۱ میلیارد یورو می‌شود.^(۱۹) آمار نشان می‌دهد که پس از شروع انتفاضه دوم، حجم صادرات تسلیحاتی آلمان به اسرائیل نسبت به دوره بین ۱۹۹۵ و ۱۹۹۸، پنج برابر شده است.^(۲۰)

در سطح شرکت‌های تسلیحاتی نیز همکاری‌های بین دو طرف در سال‌های اخیر تشدید شده است. به‌عنوان مثال در نوامبر ۲۰۰۳ شرکت اسرائیلی ارتباطات تادیران^۱ اعلام

1. Tadiran Communications



کرد که ۷۵ درصد سهام شرکت آلمانی EADS Racoms، تولیدکننده سیستم‌های ارتباطی ارتش آلمان، را خریداری کرده است.^(۲۱) در ژوئن ۲۰۰۴، شرکت دولتی اسرائیلی رافائل^۱ اعلام کرد که قرارداد تأسیس شرکت Guro Spike GmbH را با دو شرکت بزرگ تسلیحاتی آلمان یعنی صنایع الکترونیک راین متال و شرکت سیستم‌های مهمات‌سازی دیل^۲ به امضا رسانده است.^(۲۲) شرکت رافائل در سال ۲۰۰۴ اقدام به خرید شرکت آلمانی Dynamite Nobel Dynamics نیز کرد.^(۲۳)

مه‌ار ایران در دستور کار دولت مرکل

ایران همواره به دلیل سه مؤلفه اصلی موقعیت ژئوپلیتیک، اقتصاد و فرهنگ و مؤلفه‌های فرعی‌ای چون جمعیت، اندازه جغرافیایی، سوابق تاریخی و جایگاه در جهان اسلام، جایگاهی کلیدی در سیاست خاورمیانه‌ای آلمان داشته است. با این وجود، جمهوری فدرال آلمان به دلیل قرار گرفتن در بلوک غرب و محدودیت‌های سیاسی و امنیتی ناشی از آن و نیز فشارهای وارد شده از سوی آمریکا و اسرائیل هیچ‌گاه نتوانسته با جمهوری اسلامی ایران روابط پایدار و مؤثری را که تضمین‌کننده منافع دو کشور باشد برقرار نماید. در این چهارچوب آلمان همواره سعی کرده تا از نفوذ و وزن اقتصادی خود در ایران علاوه بر تأمین منافع برلین در راستای پیشبرد سیاست‌های فرآتلانتیکی و اروپایی بهره‌گیرد و تا حدودی با استفاده از اهرم ایران، کمبودهای ژئوپلیتیک خود در جهان را جبران نماید. با توجه به ضعف‌های جدی آلمان برای مطرح شدن به‌عنوان یک قدرت ژئوپلیتیک، این کشور به‌عنوان یک بازیگر ژئواکونومیک در عرصه بین‌المللی، پیوسته کوشیده تا با ارجحیت دادن به رهیافت‌های مبتنی بر تعامل^۳ امکان پرداختن به

-
1. Rafael
 2. Diehl
 3. Engagement



مسائل ایران را در چهارچوب توانایی‌های خود فراهم آورد. در این راستا همواره سیاست آلمان در قبال ایران طیفی از تعامل را با خود داشته و در دوره‌های مختلف بسته به شرایط و وضعیت موجود، ویژگی‌های خاصی به خود گرفته است. بر این اساس از آغاز انقلاب تا به امروز ما شاهد رویکردهایی چون رویکرد تعامل انتقادی، رویکرد تعامل سازنده، رویکرد تعامل مشروط و در نهایت رویکرد "مهار به واسطه تعامل"^۱ در قبال جمهوری اسلامی ایران از سوی آلمان هستیم که البته در چهارچوب سیاست‌های اروپایی و فرآتلانتیک تنظیم شده است.

به‌طور کلی آنچه از اقدامات و مواضع دولت آلمان از سال ۲۰۰۶ به این سو می‌توان مشاهده کرد این است که برلین بحث مهار ایران را در دستورکار خود قرار داده است. در واقع به‌دنبال غنی‌سازی دوباره اورانیوم از سوی ایران در ژانویه ۲۰۰۶ و بیهوده بودن مذاکرات با غرب، آلمان به دو دلیل در تعامل خود با ایران بحث مهار را پررنگ کرده است. دلیل اول بیش از هر چیز به خروج پرونده ایران از دست آلمان و اروپا و به‌دنبال آن کاهش نقش این کشور و تأثیرگذاری آن در مسئله ژئوپلیتیکی مهمی چون ایران بازمی‌گردد. تلاش آلمان برای مهار ایران در حقیقت تلاشی است از سوی این کشور برای بازگرداندن ایران در متنی که به آلمان فرصت ایفای نقش دهد. دلیل دوم بیشتر نشأت‌گرفته از بحث ثبات در خاورمیانه است که در سطح فراملی بحث جدی اروپا با ایران و در سطح ملی بحث آلمان با ایران است. در واقع آلمان و اتحادیه اروپا بیشتر از نقطه‌نظر ثبات منطقه‌ای است که خود را درگیر مقابله با تحدید نفوذ ایران و جایگاه و نقش آن در منطقه نموده‌اند تا نقطه‌نظر رقابت هژمونیک در منطقه که بیشتر موضوع ذهنی و دلیل اصلی خصومت آمریکا با جمهوری اسلامی ایران است.

در قالب رویکرد "مهار به واسطه تعامل" دولت مرکل اقدامات متعددی را در دستور کار خود قرار داده است که مهم‌ترین آنها در حمایت از تحریم‌ها در قالب سازمان ملل

1. Containment Through Engagement



و نقش پیشرو در تصویب تحریم‌های اتحادیه اروپا^(۲۴)، همراهی هرچه بیشتر با آمریکا و انگلیس، دادن اجازه فعالیت آزاد به اپوزیسیون ایرانی مقیم آلمان نظیر پژاک یا گروهک منافقین^(۲۵)، تقویت و تشدید روابط امنیتی، نظامی و اقتصادی با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و کمک به آنها در ساخت شبکه‌های ریلی و خطوط لوله برای کاستن از اهمیت تنگه هرمز^(۲۶) و در پایان فروش گسترده تسلیحات به اعضای این شورا و حضور نظامی در منطقه، تجلی یافته است. گزارش صادرات تسلیحاتی آلمان در سال ۲۰۱۰ نیز به خوبی مؤید این مطلب است.

کارشناسان آلمانی نیز خود بر این جنبه سیاست تسلیحاتی آلمان یعنی تجهیز کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به عنوان اقدامی برای مهار ایران تأکید دارند. به عنوان مثال اولیور ترنرت^۱، کارشناس مسائل خاورمیانه بنیاد علم و سیاست آلمان^۲، از مخازن اندیشه بسیار نزدیک به وزارت خارجه آلمان، در مقاله‌ای در تاگس اشپیگل در ۳ ژانویه ۲۰۱۲ با این ادعا که ایران در نهایت به سلاح هسته‌ای دست خواهد یافت، غرب و کشور خود را به تشدید جدی تحریم‌ها و تسلیح کشورهای منطقه برای جلوگیری از تبدیل شدن ایران به قدرت نظامی برتر منطقه فراخوانده است^(۲۷). ترنرت با این ادعا به توجیه صادرات گسترده تسلیحات آلمانی به کشورهای عرب خلیج فارس پرداخته و آن را اقدامی برای ایجاد شرایطی در منطقه دانسته تا کشورهای مذکور برای تأمین امنیت خود به دنبال ساخت سلاح اتمی نروند. این عضو بنیاد علم و سیاست به دولت آلمان توصیه کرده تا در مهار ایران بکوشد و سه تغییر در خطمشی سیاسی و اقتصادی خود در قبال ایران به عمل آورد. به گفته ترنرت آلمان باید نخست در ارتباط با صدور تجهیزات نظامی به کشورهای عربی منطقه پیش قدم شود و مانع تصویب قراردادهای به واسطه وضعیت بد حقوق بشر این کشورها نگردد، دوم اینکه همکاری

1. Oliver Thraenert
2. SWP



جدی‌تری با ناتو در ارتباط با دفاع موشکی به عمل آورد و در نهایت از فشار خود بر آمریکا برای خروج تسلیحات اتمی خود از اروپا بکاهد. او از منتقدان به صدور تانک‌های لئوپارد به عربستان خواسته تا از بُعد مهار ایران این مسئله را بررسی کنند^(۲۸). پروفیسور ابرهارد اشنایدر^۱، کارشناس مؤسسه مشاوره اقتصادی، امنیتی، سیاسی و استراتژیک آلمان^۲ هم در مقاله‌ای که توسط این موسسه در ژانویه ۲۰۱۲ انتشار یافته، خواستار راهکارهایی مشابه راهکارهای ارائه شده از سوی اولیور ترنرت گردیده است. از دید این کارشناس آلمانی، تحریم نفت ایران و تحریم‌های اجرا شده تا به امروز نتوانسته‌اند مانع پیشبرد برنامه هسته‌ای این کشور شوند و جنگ نیز جز ایجاد بی‌ثباتی در خاورمیانه دستاورد دیگری نخواهد داشت. وی ادعا کرده ایران به دنبال استفاده از سلاح هسته‌ای نیست بلکه خواستار بهره برداری سیاسی از آن و تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای است. در این چهارچوب او از دولت آلمان خواسته تا حمایت بیشتری از سپر موشکی ناتو به عمل آورد و از فشار خود مبنی بر خروج نیروهای هسته‌ای آمریکا از اروپا کم کند^(۲۹).

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی در دهه اخیر مسیر تحولات در منطقه خاورمیانه به‌گونه‌ای بوده که پیامدهای طبیعی آنها به سود ایران بوده است. از اشغال افغانستان و عراق و سرنگونی صدام گرفته تا تحولات مرتبط با بیداری اسلامی، همگی به افزایش نفوذ و جایگاه ایران در منطقه کمک کرده‌اند. در کنار چنین روندی، تلاش‌های ج.ا.ایران برای افزایش توانایی‌های فنی، نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک خود و رسیدن به جایگاهی ممتاز در منطقه، طبق آنچه در سند چشم‌انداز تعریف شده^۳، باعث شده تا مسائل ایران با غرب به

1. Eberhard Schneider

2. ISPSW

۳. اهداف مطرح‌شده در سند چشم‌انداز - فارغ از تحصیل آن در زمان مشخص شده - فی‌نفسه در درک تهدید غرب از ایران بسیار مؤثر بوده است.



شکلی فزاینده ماهیتی امنیتی یابد. در یک چنین متنی، آلمان به خاطر عدم بهره‌مندی از عناصر قدرت ژئوپلیتیک، فرصت کمتری برای ایفای نقش در مسائل ایران می‌یابد و همراهی بیشتری با محور فرآتلانتیک به نمایش می‌گذارد. در واقع از آنجا که دولت آلمان مخالفت جدی ظهور هژمونی منطقه‌ای به نام ایران است، تضعیف ایران به روش‌های مختلف در دستور کار آن قرار دارد. به همین خاطر به‌خصوص از سال ۲۰۰۶ به بعد دولت مرکل تلاش کرده تا با اتخاذ رویکرد "مهار به‌واسطه تعامل" و با تأکید خاص بر بُعد مهار این رویکرد، مانع افزایش قدرت ج.ا.ایران در منطقه شود. گزارش صادرات تسلیحات آلمان در سال ۲۰۱۰ و فروش گسترده تسلیحات به اعضای شورای همکاری خلیج فارس و به‌خصوص عربستان و امارات در کنار دیگر اقدامات برلین نظیر ایفای نقش برجسته در تحریم‌های یکجانبه اتحادیه اروپا علیه ایران، کمک تسلیحاتی به رژیم اسرائیل، اتخاذ مواضعی دوگانه در قبال نقض حقوق بشر در بحرین و عربستان از یک سو و سوریه از سوی دیگر، به‌خوبی مؤید این مطلب است.



پینوشت‌ها

1. <http://www.dw-world.de/dw/article/0,,15585720,00.html>
2. Ibid.
3. <http://www.german-foreign-policy.com/en/fulltext/57982>
4. <http://www.osw.waw.pl/en/publikacje/ceweekly/2011-12-14/new-trends-german-arms-and-military-equipment-exports>
5. Ibid.
6. Ibid.
7. <http://www.german-foreign-policy.com/en/fulltext/57982>
8. <http://www.osw.waw.pl/en/publikacje/ceweekly/2011-12-14/new-trends-german-arms-and-military-equipment-exports>
9. <http://www.dw-world.de/dw/article/0,,15585720,00.html>
10. Ibid.
11. <http://www.german-foreign-policy.com/en/fulltext/57982>
12. <http://www.dw-world.de/dw/article/0,,15585720,00.html>
13. Ibid.
14. <http://www.german-foreign-policy.com/en/fulltext/57982>
15. Ibid.
۱۶. بهزاد احمدی لغورکی، دیپلماسی دو ستونی؛ روابط آلمان و اسرائیل و پیامدهای آن بر روابط با خاورمیانه و ایران، نشریه پگاه حوزه، شماره ۳۱۰، ص. ۱۲
17. Shpiro Shlomo, "Intelligence Services and Foreign Policy: German-Israeli Intelligence and Military Cooperation," German Politics, Vol. 11, No. 1. April 2002.
18. Imported Weapons to Israel in 1995-2005, SIPRI. www.sipri.org.
19. "U-Boot-Verkauf an Israel besiegelt - Debatte über Atomwaffen."



- Deutsche Presse Agentur, Aug. 24, 2006
20. Imported Weapons to Israel in 1995-2005, SIPRI. www.sipri.org.
21. Dreßler in Ben-Natan (2005), 256-257; and IDF official website.
22. Tadiran Communications Press Release: New Majority Shareholder in EADS Racoms, 18 November 2003.
23. Rafael Press Release: Eurospike GmbH Launched at EuroSatory, 15 June 2004.
24. <http://www.iranwatch.org/international/EU/>
25. <http://www.german-foreign-policy.com/en/fulltext/56290>
26. <http://www.german-foreign-policy.com/en/fulltext/56310>
27. <http://www.tagesspiegel.de/meinung/raketentest-atommacht-iran-der-preis-waere-hoch/6013448.html>
28. Ibid.
29. <http://www.isn.ethz.ch/isn/Digital-Library/Policy-Briefs/Detail/?lng=en&id=135916>